

تاریخ امتحان: ۱۷ / ۱۰ /
ساعت شروع: ۸/۵ صبح
مدت امتحان: ۷۰ دقیقه

نام:
نام خانوادگی:
نام پدر:

سؤالات امتحان داخلی درس: فلسفه

نام دبیر: هانیه مهدوی مقطع و نام کلاس: دوازدهم انسانی نوبت: دی ماه تعداد کل سؤالات: ۱۴ صفحه ۱

ردیف	سؤال	بارم نمره
۱	جاهای خالی را با عبارات مناسب پر کنید. الف) وجه مشترک موجودات است و وجه اختصاصی آن‌ها. ب) رابطه‌ی ضرورت‌بخشی علت به معلول را می‌گویند. ج) بسیاری از افلاطون‌شناسان معتقدند که و هر دو، نام‌های دیگر خداوند است.	۲
۲	حمل حیوان ناطق بر انسان چگونه حملی است؟	۱
۳	رابطه علیت چگونه است؟ علیت را تعریف کنید.	۲
۴	لوازم اصل علیت را نام ببرید و لازمه و نتیجه‌ی هر اصل را بنویسید. (دو مورد)	۲
۵	علت تامه و علت ناقصه را با ذکر مثالی تعریف کنید.	۲
۶	معنای اول اتفاق را بنویسید.	۱



نمره ورقه	با عدد	نمره با تجدید نظر	با عدد
	با حروف		با حروف
نام و نام خانوادگی:	تاریخ و امضاء	نام و نام خانوادگی:	تاریخ و امضاء

ردیف	سؤال	صفحه ۲	بارم نمره
۷	استدلال کانت را در مورد اثبات خدا بنویسید.		۱
۸	برهان حرکت ارسطو را توضیح دهید.		۲
۹	دیدگاه مردم یونان باستان را در مورد اعتقاد به خدا بنویسید.		۱
۱۰	برهان ابن سینا را در مورد اثبات وجود خدا توضیح دهید.		۲
۱۱	چرا تسلسل علت‌ها محال است؟		۱
۱۲	واجب الوجود بالذات را تعریف کنید.		۱
۱۳	ملاصدرا وجود را به چند دسته تقسیم کرده؟ نام ببرید.		۱
۱۴	در قضیه‌ی زیر رابطه‌ی موضوع و محمول را بررسی کنید. از آن چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ عدد ۸ فرد است.		۱
		جمع نمرات	۲۰

سؤالات امتحان داخلی درس: فلسفه ۲

پایه: دوازدهم انسانی

ردیف	پاسخ	بارم نمره
۱	الف) وجود ۲۵٪ ماهیت ۲۵٪ (ب) وجوب علی و معلولی ۵٪ (ج) مثال خیر ۲۵٪ / صانع (دمیورژ) ۲۵٪	۲
۲	در عبارت انسان حیوان ناطق است، حیوان ناطق محمول قضیه است و در تعریف انسان آمده است. لفظ حیوان ناطق مخصوص انسان است. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. پس انسان همان حیوان ناطق است. حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد.	۱
۳	رابطه‌ی علیت رابطه‌ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد.	۲
۴	اصل علیت: ارتباط و پیوستگی میان هر شی و منشا آن اصل وجوب بخشی علت به معلول: تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی اصل سنخیت میان علت و معلول: نظم و قانون مندی‌های معین میان دسته‌های مختلف پدیده‌ها	۲
۵	اگر مجموعه‌ای از عواملی که برای پدید آمدن یک معلول ضروری است وجود داشته باشند علت تامه و اگر چند عامل وجود داشته باشند علت ناقصه می‌گوییم. مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل وجود انسان، وجود قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است. پس نوشتن وقتی محقق می‌شود که همه‌ی عوامل دخیل در آن موجود باشند.	۲
۶	معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه‌ی حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه‌ی عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نیارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خود به خود باران ببارد.	۱
۷	۱. انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می‌کند. این وجدان اخلاقی از او می‌خواهد که آنچه را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بپسندد و این اصل را به عنوان یک قاعده، همواره در نظر داشته باشد و در زندگی پیاده کند. ۲. مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. زیرا برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد. ۳. این اختیار و اراده نمی‌تواند ویژگی بدن باشد که ماده‌ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی‌رود. این بعد غیرمادی انسان بهره‌مند از وجدان اخلاقی است. انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می‌شمارد و رذیلت‌های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می‌آورد. ۴. حال، این روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی غیرمادی و جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای مادی نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. بنابراین، قبول خداوند، پشتوانه‌ی اختیار و اراده انسان و مسئولیت‌پذیری او و تکیه گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می‌باشد. با پذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا میکند و از بوجی و بی‌هدفی خارج می‌شود.	۱
۸	برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک دیگری است و سلسله و محرک‌ها تا بی‌نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.	۲
۹	فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یکی از واقعیات جهان می‌شمردند؛ مثلاً از نظر آنان "زنوس" خدای آسمان و باران، "آپولون" خدای خورشید و هنر و موسیقی و "آرتمیس" خدای عفت و خویشترداری بود.	۱

سؤالات امتحان داخلی درس: فلسفه ۲

پایه: دوازدهم انسانی

ردیف	پاسخ	بارم نمره
۱۰	۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی‌اند؛ هم می‌توانند باشند هم می‌توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن‌الوجودند. ۲- ممکن‌الوجودهای بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآیند و وجود برای آن‌ها ضروری گردد و موجود شوند، نیازمند علتی هستند که خودش ممکن‌الوجود نباشد بلکه واجب‌الوجود بالذات باشد؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی اوست و از او جدا نمی‌شود ۳- پس، موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.	۲
۱۱	زیرا اگر سلسله علت‌ها بخواهد تا بی‌نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.	۱
۱۲	واجب‌الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.	۱
۱۳	از نظر ملاصدرا وجود دوگونه است 1: وجود بی‌نیاز و غیروابسته ۲: وجودهای نیازمند و وابسته	۱
۱۴	در این قضیه، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت، فرد باشد.	۱
	جمع نمرات	۲۰
موفق باشید // // // مهدوی		

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir